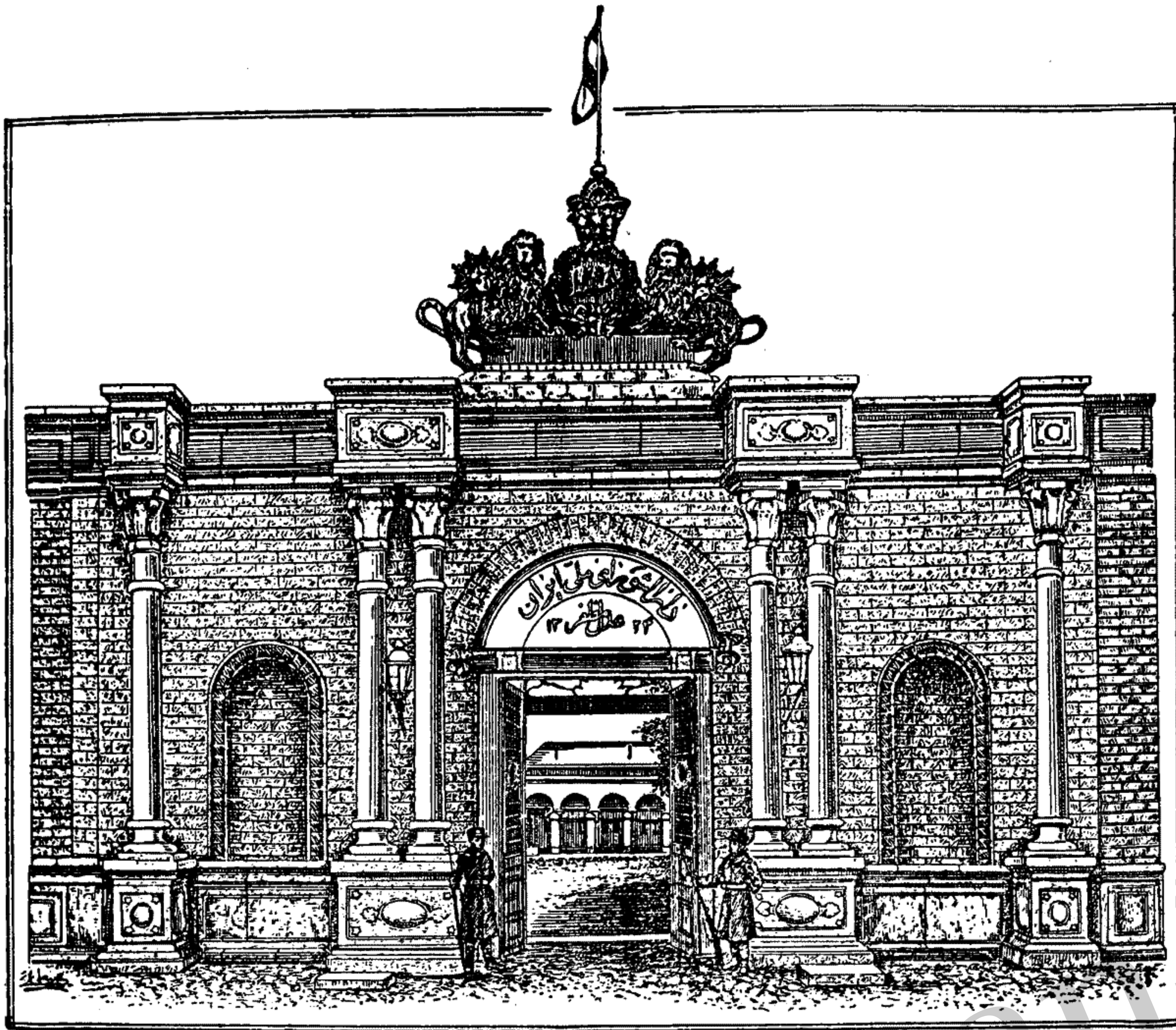


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۱۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۸۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لیله سه شنبه ۱۵ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله سه شنبه ۱۵ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۳ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۹

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت جلسه گذشته را آقای فی سلیمان
قرائت نمودند)
غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : اعتبار - نوبخت - حاج حسن آقا ملک -
یحیی خان زنکنه - بدر
غائبین با اجازه جلسه قبل

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان والی زاده جوانشیر - اعتبار	۲۸۴۷	۲۸۴۸
۲	قرائت طرح پیشنهادی جمعی از آقایان نمایندگان راجع به ممنوعیت اتوموبیل های کرایه از حمل مسافر در شهر و رد آن	۲۸۴۸	۲۸۵۲
۳	مذاکره نسبت به لایحه دولت راجع با اجازه اجرای لوایح قانونی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون فعلی عدلیه و تصویب آن	۲۸۵۲	۲۸۶۲
۴	تعقیب شورائی نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع به خالصجات انتقالی	۲۸۶۵	۲۸۷۰
۵	قانون اجازه اجرای لوایح قانونی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون پارلمانی عدلیه	۲۸۷۱	

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - قوام شیرازی
مهدوی - میرزا حسن خان وثوق - محمود رضا - حاج
غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: فهیمی - عصر انقلاب - آیت الله زاده
اصفهان

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: جلانی - دشتی

رئیس - صورت مجلس ایرادی دارد؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر داخله - آقای کلنل سعید خان را بریاست
کل صحنه معرفی میکنم.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - خبر کمیسیون عرایض و مرخصی قرائت میشود
(این قسم قرائت شد)

نماینده محترم آقای والی زاده جوانشیر در راجع به
تمدید مرخصی سابقه خود که مجلس مقدس خبر کمیسیون
عرایض را در رد آن تصویب کرده بود بموجب مراسله
تقاضای تجدید نظر کرده بودند در روز ۱۳ بهمن
۱۳۰۶ کمیسیون در اطراف دلایل آقای جوانشیر
مطالعه نمودند در نتیجه با دو ماه مرخصی ایشان از
تاریخ اول آبان الی اول دی موافقت نموده اینک خبر
آن را تقدیم مجلس می نماید

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد

آقا سید یعقوب - چرا بنده مخالفم اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - آقایان تعجب میفرمایند که چرا
بنده مخالفم. برای این مخالف هستم که این راپرت يك

دفعه بمجلس آمده. بنده خدمت آقای جوانشیر ارادت
دارم ولی مانع نیست که چیزی را که می فهمم عرض
کنم. این راپرت بکماه قبل آمد بمجلس و رد شد زیرا
در راپرت ذکر شده بود که سه ماه در یکسال استفاده
کرده اند. بنده عرض میکنم يك راپرتی که آمده است
بمجلس و بمجلس رد کرده است دو مرتبه کمیسیون چه
دلیلی داشته است که این راپرت را داده است که باز
در مجلس مطرح شود؟ ما باید يك تنظیماتی را ملاحظه
کنیم. آخر ما به بینیم در ادارات دیگر نسبت مستخدمین
چه قسم ملاحظه میشود آنوقت ما يك ماه با دو ماه
با سه ماه مرخصی بخواهیم. از این جهت بنده مخالف
هستم و هیچ فلسفه برای رای دادن تصور نمیکنم

زوار (خبر کمیسیون عرایض) اگر اعتراض نمایند
محترم برای این است که این خبر يك دفعه رد شده است
چرا حالا آمده است بمجلس شورای ملی عرض میکنم که
این کار سابقه دارد و خیلی از لواج هست که رد میشود و پس
از مدتی بنا سابقه باز مطرح میشود و این موضوع يك سابقه
داشته است و کمیسیون بی خود راپرت نداده است بعلاوه اینرا اول
خود کمیسیون رد کرده بود و دوباره فقط بنام نمایلات
اکثریت نمایندگان محترم که در مجلس ابراز فرمودند
راپرت داد. کمیسیون عرایض که اشخاص خارج نیستند
آنها هم از خود همین مجلس انتخاب شده اند بالاخره بنا
بنابال اکثریت نمایندگان در تصویب این قبیل خبرها
کمیسیون دو مرتبه راپورت را تحت مذاقه در آورده و
رای داد.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه این خبر را تصویب

میکند قیام فرمایند

(اکثر قیام کردند)

رئیس - تصویب شد خبر دیگر

(باین مضمون قرائت شد)

نماینده محترم آقای اعتبار برآر فوت مرحومه همشیره

محرّمه خود برای اینکه مسافرت بهمدان را لازم دانسته
اند از تاریخ ششم اسفند ۱۳۰۶ الی یازده روز تقاضای
مرخصی کرده اند کمیسیون عذر ایشان را موجه دانسته
اینک تقاضای ایشان را تصویب و خبر آنرا تقدیم مجلس
مقدس مینماید

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در باره مرخصی آقای جوانشیر
هم مخالف بودم اجازه هم خواسته بودم که مخالفت کنم
ولی نوبت به بنده نرسید بنده هم عرض کرده ام باز
هم عرض میکنم با کلیه مرخصی ها مخالف نیستم بلکه
با اخذ حقوقش مخالف هستم بالاخره حالا که آقایان
می خواهند مرخصی بگیرند اقلاً از نصف حقوق خودشان
صرف نظر کنند. آقایان می خواهند يك ماه دو ماه
سه ماه مرخصی بگیرند ماهی سیصد تومان هم حقوق
بگیرند اینده با انصاف درست در نمی آید حالا میگوئید
فلانی عذر دارد، بسیار خوب، ولی هر کس که عذر
دارد باید ماهی سیصد تومان هم بگیرد؟ این طور که
صحیح نیست برود کار خودشان را بکنند و از گرفتن
مال مردم هم صرف نظر بکنند

مخبر - اولاً آقا تصدیق می کنند که اعتبار الدوله
یکی از رفقای جدی ما هستند و هیچوقت هم غیبت
نکرده اند و همیشه سرکار خودشان حاضر بوده اند
بعلاوه یکی از مواد نظامنامه را هم مکرر با ایشان تذکر
داده ام و آن این است که عذر موجه را دلیل غیبت
دانسته و البته کمیسیون عرایض و مرخصی نمی توانست
فوت همشیره آقای اعتبار الدوله را عذر موجه قرار
نهدد، خیر عذر ایشان را موجه میدانند و با مرخصی
ایشان هم موافقت می کنند

رئیس - رأی میگیریم باین خبر آقایان موافقین

قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای بهبهانی قرائت
میشود

(این قسم قرائت شد)

ماده واحده - اتومبیل های بزرگ کرایه فقط در
خارج شهر حق حمل مسافر داشته و در شهر ممنوع
خواهند بود

روحی - اسامی را بخوانید

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بهبهانی - بامداد - شیخ الاسلام - مدرس - بهار
زعیم - بدر - حاج میرزا مرتضی - ثقة الاسلامی -
دکتر رفیع امین

رئیس - آقای کازرون راجع بفوریت صحبتی دارید؟
بفرمائید.

کازرون - بلی بنده راجع بفوریت اول و دوم و
اصل مطلب همه مخالف هستم. بواسطه اینکه این لایحه
در واقع از ترقیات مملکت میخواهد بکاهد و حال آنکه
ما امیدواریم در آتیة نزدیکي يك راه آهن برقی داشته
باشیم و ما نازه می آئیم اتوموبیلی که با دهشاهی سه
عباسی کسبه و مردم را حمل میکند مخالفت می کنیم
میگوئیم با درشکه با درشکه با سه قران برود هر کسی
هم ندارد کور بشود پیاده برود. اینطور که نمیشود

رئیس - (خطاب به مجلس) در جلسه قبل فرمودید
اول باید در قابل توجه بودن رای گرفته شود بعد
بفوریت.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای بهار

بهار - عرض کنم که غالب آقایان محترم مورد
اعتراض و شکایت افراد درشکه چی ها واقع شده اند.
مخصوصاً آقایانی که از خود شان وسائل نقلیه ندارند.
امثال بنده و سایر آقایانی که امضا کرده اند بیشتر شاید
بعمل پیشنهاد ایجاد بی برده باشند و بیشتر بشکایات مؤثره

صاحبان درشکه واقفند. این قبیل قضا یا قضایای شخصی یا سیاسی نیست که آقایان نمایندگان محترم از نقطه نظرهای خاصی باین مسئله نگاه کنند. این يك قضیه معیشتی عمومی است و يك مسئله ایست که مربوط است زندگی يك عده کثیری از اصناف و طبقات مختلفه این شهر. علیهذا بعقیده بنده بایستی در این مسئله آقایان از نقطه نظر کمال بی طرفی و دادرسی و حق طلبی نگاه کنند شاید بالنتیجه يك تصمیمی اتخاذ شود که اسباب استراحت و آسایش جمعی از هموطنان ما بشود و در عین حال آن اعتراضاتی که بعضی از رفقای تند رو ما بقضیه می کنند آن اعتراضات هم وارد نشود. راست است که همیشه ما باید بطرف جلو برویم و هیچکس منکر این امر نیست. راست است که ما همیشه باید در مسائل ساده تر و آسان تر مقدم باشیم و توجه داشته باشیم و همیشه قضایای مربوط بتمدن جدید را مطمح نظر قرار بدهیم. در این قضا یا هیچکس منکر نیست ولی در عین حال بایستی چند نکته مهم دیگر را هم همیشه مدنظر خود مان قرار بدهیم. یکی از آن نکات مهمه که بایستی قبل از توجه به تجدد و ترقیات سریع به نظر ما بیاید و نظر ما را بطرف خودش معطوف بدارد مسئله اقتصاد و صرفه جوئی است اقتصاد و صرفه جوئی مقدم بر هر چیزی است مقدم بر هر فکری است و مقدم بر هر ترقی و تعالی است بعد از ملاحظه و مراعات در صرفه جوئی و اقتصاد چیزی که باید مطمح نظر ما باشد مسئله اعاشه و حیات افراد طبقه سیم و دوم این مملکت که بیشتر در معرض مصائب و در معرض افناء و اهلاک هستند باید باشد. مسئله اقتصاد و صرفه جوئی بمانمیکوید و مدنی است در نظر افراد مملکت محسوس شده است ماحق- الامکان بایستی در مسائل عمران و ترقی بآن اشیاء و مسائل که آزار او و مصارف او در مملکت ما موجود است توجه داشته باشیم و حق الامکان در آن مسائلی که اسباب و ابزار و مصارف و خوراک او در خود مملکت

موجود نیست و برای بکار انداختن آن وسیله ترقی در اقتصادیات بما ضرر و صدمه وارد می آید و برای رفتن يك قدم بجلو چندین قدم از نقطه نظر صرفه جوئی عقب میرویم در آن قضا یا باید يك قدری بتأنی و ملاحظه عمل کنیم: مسئله اتوموبیل متأسفانه بواسطه بطوء اقدام ما در استخراج نفت و بنزین برای ما يك قدری گران تمام شده است. همه آقایان می دانند و شاید این حساب را هم مکرر افراد آقایان کرده اند یا از دیگران شنیده اند که هر اتوموبیلی در روز در این مملکت چقدر به اقتصادیات ما ضرر وارد می آورد خود اتوموبیلی که وارد میشود مبلغی برای قیمت آن اتوموبیل از مملکت خارج میشود راجع به بنزین هم چون خودمان نداریم بایستی ثروت مملکت در بهای بنزین خارج شود اینهم خود يك ضرری است که بما وارد میشود و در عین حال بواسطه اینکه ما راه های خوب و متعدد برای اتوموبیل رانی چه در خارج و چه در داخل شهر ها نداریم باین واسطه هم از نقطه نظر خرابی ماشین ها متصل و پی در پی بما ضرر وارد می آید و ماشین هائی که در ممالک متمدنه بایستی چهار سال کار کنند بواسطه نداشتن جاده در خارج و خرابی خیابان های داخل شهر ها در مملکت ما دو سال که کار کرد خراب میشود و از کار می افتد و باز نظر باینکه اسباب تعمیر ماشین در مملکت ما موجود نیست این ماشین بکلی از حیز انتفاع می افتد از این راه هم باز ضرر بما وارد میشود معذک با تمام این قضا یا نظر باینکه تنها وسیله حمل و نقل در مملکت ما ماشین های بزرگ و کوچک است ما باین ضرر ها ن در می دهیم و امیدواریم که بزودی بتوانیم منابع نفت داخلی خودمان را استخراج کنیم و بالاخره این اظهارات ما هم روی کلیه وسائل حمل و نقل سربع السیر یعنی اتوموبیل البته نیست و فقط مربوط میشود اظهاراتی که ما در این باب میکنیم بقسمت مبتلا به

موقتی شهر طهران و می رسیم بان قضیه دوم یعنی رعایت معیشت يك جمع کثیری از هموطنان پای نخت خودمان. آقایان همه می دانند که شهر طهران برای اتوموبیل رانی و اتوبوس رانی ساخته نشده است و با وسائل جمیله که در بزرگ شدن شهر و طرح خیابان های وسیع در خارج شهر و اصلاح خیابان های داخلی شهر شده و میشود معینا در حال حاضر خیابان های عمومی طهران بازننگ است و باز دچار ازدحام عابری است و میتوان گفت که برای حرکت اتوموبیل های بزرگ و اتوموبیل های کرایه بزرگ هنوز این خیابانها تنگ است. آقایان اگر باحصائیه متوفیات از اتوموبیل در این چند ماهه ملاحظه فرموده باشند می دانند بواسطه تنگی خیابانها و بی احتیاطی شوفرها و نزدیکی اتوموبیلها چندین نفر در این ماههای اخیر تلف شده اند چند نفر مجروح شده اند و این خطرات و تلفات متأسفانه هنوز هم مداومت دارد. از این گذشته همه آقایان می دانند که یکی از اصناف این شهر صنف درشکه چی است. درشکه اساساً یکی از وسایل حمل و نقل طبیعی است که در سایر شهر های بزرگ ممالک متمدنه باینکه اقسام اتوموبیل ها فراوان است، ماشین هست اتوبوس هست، واکن برقی هست، معذک از بین ترفقه است. این يك وسیله ایست برای حمل و نقل در داخله شهر ها که بین واکن ها و ترامواها و اتوموبیلها است بواسطه رقابت شدید اتوموبیل های بزرگ کرایه در شهر طهران با درشکه ها علاوه بر آن صدمات و خطراتی که عرض شد امروز دیده میشود که این صنف دارند بکلی بی با می شوند و از بین میروند اتفاقاً درشکه در خود ایران ساخته میشود و چندین صنف و کسبه بواسطه درشکه زندگی میکنند. آهنگری، چرم سازی، نعل بند فلاح، زارع، کارگر، علاف، تمام اینها و بالاخره يك عده زیادی شاید قریب شش هزار نفر در طهران بواسطه حرکت درشکه امرار معاش میکنند ما اگر با در نظر گرفتن

مسائل اقتصادی که عرض شد و با در نظر گرفتن مصرف نفت و بنزین و رزین و روغن و با در نظر گرفتن تلفات جان و شخصی در طهران و با در نظر گرفتن تمام این قسمت ها تصدیق میفرمائید که چنانچه يك حدی برای رقابت اتوموبیل های کرایه و درشکه چی ها قرار ندهیم قطعاً این صنف از بین خواهد رفت و چندین هزار نفر از هموطنان ما گرسنه و بیکار مینمایند و در این اوقاتی که از هر طرف فشارهای اقتصادی بهار آورده است شاید يك عده پنج شش هزار نفری حقیقه تلف شدند این قضیه قضیه نیست که ما بتوانیم آن را باخونسردی تلقی کنیم (بطوری که آقای کازرون اظهار فرمودند) عیناً این مسئله یکی از مسائل مهم است که غالباً در محافل سیاسی مطرح است و در عین حال ما با تصدیق کنیم که بواسطه اندک غفلت یا بواسطه احساسات که آقای کازرون بخرج میدهند و اظهار میکنند که با بودن اتوموبیل نباید این حرفها را زد و بایستی در مقابل اتوموبیل گوش بحرف درشکه چی ها داد. در مقابل این صحبت ها که بعقیده بنده صرف احساسات است نباید تصدیق کرد که يك عده پنج شش هزار نفری از هموطنان ما و شما آقای کازرون: تلف شوند و گرسنه بماند یا برکداها و دزد ها و جانی های این شهر يك عده کثیری افزوده شود. بعقیده بنده با توجه آقایان نمایندگان باین قسمت های مختلفه که بنده بطور فهرست بعرض رساندم و با توجه بمعیشت يك عده پنج شش هزار نفری از هموطنان ما که بعرض آقایان رساندم و با در نظر گرفتن معیشت يك قسمت از خانواده های طبقه سوم این مملکت که همه روزه عجز و لایه آنها قرع سمع آقایان محترم را می کنند و با در نظر گرفتن تمام این قضا یا و با تصدیق باینکه اتوموبیل های شخصی و اتوموبیل های رجال محترم در شهر طهران آزادند و اتوموبیل های کوچک کرایه هم حتی الامکان آزاد هستند با تمام این مقدمات راجع بمحدود شدن اتوموبیل های

بزرگ که حرکت دادن آنها در شهر باعث اتلاف نفوس محترمه عدم کثیری از هموطنان ما در این خیابانهای تنگ و معوج میشود با این مقدمات استدعا می کنم آقایان محترم توجه فرمایند و باین لایحه رأی بدهند و ورود بکمسیون مبتکرات پس از مطالعه اگر حقیقه يك وجه مرضی الطرفینی بدست نیامد بالاخره در مجلس رد کنند ولی اگر تصدیق شد شکایت این بیچاره ها و تصدیق شد این محظورات اقتصادی و جان و معیشتی که عرض شد و تصدیق شد این اتوموبیل هائی که از خارج می آیند و تمام منافع آن و پول بنزین و فقط آن بخارج می رود معذرت باید آنها را آزاد بگذاریم و این يك صنف از بین بروند آنوقت در مرحله دوم البته آقایان دلائلشان را اقامه می کنند و رد می کنند این لایحه را ولی فعلاً با انتظاری که جمع کثیری از طبقات مختلفه این شهر در توجه مجلس محترم نسبت باین لایحه دارند استدعا می کنم موافقت فرمائید و اجازه بدهید زیاد در این قضیه مذاکره نشود و برای حفظ نفوس محترمه این قضیه را طرف توجه قرار دهید شاید در کمیسیون هم توجه و نظر وزارتداخله نسبت باین موضوع جلب شود و يك جنبه عملی اتخاذ کنند که لا اقل در يك مدت معینی محدودیت اتوموبیل ها اجرا شود تا اینکه درشکه چی ها و صاحبان درشکه بتدریج بتوانند يك فکری برای خودشان بکنند و شاید بتوانند این اتوموبیل ها را بخرند و اموال خودشان را شاید بتوانند تبدیل کنند و در این بین هم انشاء الله فقط خودمان بیرون میاید و شاید يك تصمیمی اتخاذ شود که منظور آقای کازرونی هم بعمل بیاید ولی فعلاً چون مبتلا هستیم بيك امری که در حقیقت باعث اتلاف نفوس يك عده از اهالی این شهر است بعقیده بنده بایستی نسبت باین قضیه در مجلس توجهی بشود

رئیس - باید عرض کنم که اگر این لایحه قابل

توجه شد دیگر بکمسیون مبتکرات می رود وقتی بکمسیون مبتکرات می رود که بطور عادی تقدیم مجلس بشود. آقای عباس میرزا

عباس میرزا - با این کارهای مهمی که در مجلس شورای ملی داریم بنده تصور نمی کردم که این قضیه را آقایان بکمرته تولید کنند و باین فصاحت و بلاغت آقای ملک در این باب صحبت بدارند. چون در این باب مخصوصاً راجع به بی طرفی فرمودند بنده هم با کمال بی طرفی عرض میکنم که ایشان تقریباً صحبت شان بکلی از روی بی طرفی نبود و طرفداری صرف از درشکه چی ها بود در صورتیکه آن عجزو لایحه هائی که ایشان می فرمائید ممکن است که ما هم از ولایات از طرف شتر داران و الاغ داران و مکاربان عرض کنیم. آنها هم این عجز و لایحه ها را دارند و همه ماها با آقای ملک در این عجز و لایحه ها شریک هستیم. همه این شتر دار های اردبیل و آذربایجان و سایر نقاط ایران خیلی از این اتوموبیل هائی که آمده است متأسف و متأم هستند. ما هم خیال داشتیم از طرف این مکاربا يك مذاکرانی در این جا بکنیم ولی متأسفانه دیدیم وضعیت طوری است که زمینه ندارد ولی حالا این جا آقای ملک يك رشته بدست ما دادند که اگر واقعاً ما بخواهیم این جا از نقطه نظر وکلای محترم طهران این را قبول کنیم باید کلیه وکلای ولایات هم بيك پیشنهادی برای اتوموبیل های عرض راه بکنند. چون این ها همه بيك وجه مشترکی است بین حیوانات و موتور ها. حالا باید این جا به بینیم که اگر این کار را نسبت بطهران رای بدهیم بی طرفی میشود یا نه؟ وقتی که ما درست توجه کنیم با این پیش آمدی که بنده می بینم باید این بی طرفی را بکلی رد کرد و قابل توجه ندانست و هیچ اصلاً داخل در این مذاکره نشد بواسطه اینکه آن قضائاتی که خودشان راجع به اقتصادیات به طور خیلی مفصل بیان فرمودند البته خودشان از روی اعتقاد کاملی راجع باقتصاد این قضیه را پیش نیاوردند زیرا آنچه راجع بمسئله بنزین فرمودند درست

ملاحظه فرمائید این چند تا اتوموبیل و چند تا اتوموبیل بزرگ که حامل مسافرن فقیر این شهر هستند آنها در مقابل این همه اتوبوس و این همه اتوموبیل که در ولایات و طرق مختلف مملکت سیر میکنند چه تأثیری دارند؟ مقدار چند یوطی است و واقعاً ملاحظه فرمائید که این مقدار آیا جلوی واردات بنزین این مملکت را میگیرد؟ ما باید يك فکر دیگری برای بنزین و نفت بکنیم و این مسئله درشکه چیها نامین این قضیه را نمیکند اما آمدیم راجع باقتصاد عمومی آقای ملک این جا فرمودند که پنجهزار درشکه چی هست بنده درست احصائیه درشکه چی ها را نمیدانم ولی پنجهزار درشکهچی در طهران نیست و منتها هفتصد هشتصد تا باشد بنده درست نمیدانم آقای آشتیانی لابد میدانند (سؤال از آقای آشتیانی) چند تا است؟ آقای فرمایند هزار هزار و پانصد تا است حالا در این مسئله درست ملاحظه فرمائید که برای هفتصد هشتصد نفر درشکه چی در این مجلس ما می خواهیم بيك قانونی بگذاریم در صورتیکه درشکه ها سه قران می تیرند یا بیشتر ولی اتوموبیل پنجشاهی دهشاهی بیشتر نمیکیرد پس اقتصادیات عامه طبعاً برتری دارد بر اقتصادیات چند نفر و آن نکاتی که آقای ملک راجع به اقتصادیات فرمودند در این جا هیچ منظور نیست اگر فردا لایحه اتوموبیل رانی دناگاری را آوردند رأی ندادید آن بيك چیزی است و آن راجع به اقتصادیات است چون منفعت آن به جیب خارجی ها می رود ولی اتوبوس و اتوموبیل هائی که در جریان است منفعت اینهارا اینانها میبرند، لذا اقتصادیان که فرمودید در اینجا هیچ وارد نیست و اگر درشکهچی ها مورد ترحم باشند شتر دار هائی را هم که عرض کردم بیشتر مورد ترحم میباشند پس باید بيك مرتبه برای درشکهچی ها و برای شتر دار ها بيك فکری کرد و این قضیه را بکمرته حل کنیم، ما برای تمام این اشخاص

متألمیم ولی فعلاً کاری از ما ساخته نیست و راه حل آنها را باید به بلدییه یا مؤسسات مربوطه دیگر واگذار کرد و آوردنش به مجلس فایده ندارد و باید بلدییه برای آنها يك وسیله فراهم کند و کم کم بطوری که فعلاً ملاحظه میفرمائید اغلب درشکه سازها اتوموبیل ساز شده اند و اغلب درشکه چیها شوفر شده اند و اینها بيك چیز هائی است که خودش طبعاً درست میشود مردم همه بی رزق و روزی میروند و کار میکنند بيك کار از دستشان برود بی بيك کاری دیگر میروند وقتی که راه آهن بکشیم پس چه خواهیم کرد این کار ها خودش خود به خود درست خواهد شد

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این طرح آقایانیکه موافقت قیام فرمایند. (عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نند، آقای روحی: راجع به لایحه اتوبوس رانی در جلسه قبل تقاضای فوریت کرده بودید فرمائید.

روحی - بنده مسترد میکنم.

وزیر عدلیه - آقایان همه مسبقند که در دوره های گذشته مجلس شورای ملی اجازه میداد بوزارت عدلیه که لوایحی که پیشنهاد میکنند و بتصویب کمیسیون عدلیه میرسد آنها را بموقع اجرا بگذارند در این دوره هم بنده در چند ماه پیش بيك لایحه آوردم و تقدیم کردم راجع به اختیارات کمیسیون مدنی طول کشید تا کمیسیون تشکیل شد و بعد در خود کمیسیون هم در ابتدا بيك توافق نظری نبود راجع باینکه اختیاراتی خواسته شود ولی بالاخره رسیدیم بيك موقعی که از برای کمیسیون منتهی سه یا چهار جلسه باقی مانده است برای اینکه لیالی اعیاء نزدیک است و مجلس و کمیسیونها تعطیل میشود و به تعطیل عید هم دو سه روزی بیشتر بقی نخواهد ماند و بيك جلسه شاید بیشتر بعد از اعیاء تشکیل نشود و بعد هم از ابتدای فروردین تا چهاردهم فروردین هم بواسطه تعطیل عید همه کمیسیون ها تشکیل

نخواهد شد و در چهاردهم فروردین هم که کمیسیون ها منحل خواهد شد، پس سه چهارم جلسه بیشتر وقت نداریم و لوایح عدلیه هم دو شوری است، در کمیسیون مذاکراتی که تا بحال شده است نزدیک بنتیجه است و با ترتیب جریان مجلس لوایح باید بیاید به مجلس و يك شور بشود و دو باره برگردد به کمیسیون و با این حال بالطبع به این کمیسیون نخواهد رسید و تا کمیسیون آتی هم تشکیل شود مدتی طول خواهد کشید و وقتی هم که کمیسیون تشکیل شد باید در آن کمیسیون تمام کار هائی را که امروز کرده ایم از سر گرفته شود. بنا بر این مقدمات در جلسه اخیر در کمیسیون در این خصوص موافقت شد و خبری هم دادند، بنده متوجه شدم که در موقع تقدیم لایحه تقاضای فوریت نکرده بودم و بنا بر این اگر آن خبر کمیسیون را بخواهیم طرح کنیم ناچار بیستی که دو شور شود و فاصله مابین شور اول و شور دوم هم ناچار مستلزم پنجروز وقت است و اصلا به این مقصود نخواهیم رسید. لذا اگر آقایان اجازه بفرمایند بنده آن لایحه را مسترد میدارم و يك لایحه که مختصر تفاوتی دارد تقدیم میکنم با تقاضای دو فوریت و اجازه میخواهم که اختیار داده شود بکمیسیون (و این اختیار هم برای کمیسیون فعلی است که لوایحی را که تصویب میکند اینها را بتوانیم بموقع اجرا بگذاریم و بعضی از آقایان در ضمن مذاکراتی که در خدمتشان کردم اینطور عقیده داشتند و بنده موافق هستم) و البته در این خصوص پیشنهادی که داده شود قبول خواهد شد) که لایحه قانون حکمیت در این لوایح جدا باشد یعنی این اختیار بکمیسیون داده شود بغیر از لایحه قانون حکمیت و آن لایحه باید در خود مجلس مطرح شود برای اینکه آن لایحه يك شوری است و کمیسیون هم مطالعات خودش را کرده است میباید بمجلس و در خود مجلس مذاکراتی میشود و هر چه اکثریت رای داد قبول خواهد شد و فعلا آن لایحه را کنار میگذاریم این

اختیار را برای سایر قوانین تقاضا میکنیم (لایحه تقدیمی ایشان بمضمون ذیل خوانده شد)
ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید بعد از تصویب کمیسیون فعلی عدلیه بمجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارد و پس از آزمایش آنها در عمل بمجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید

رئیس - فوریت قسم اول مطرح است. آقای عراقی.

عراقی - موافقم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - آقای حشمتی

حشمتی - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - نمیدانم چه عرض کنم فقط می بینم که با دو فوریت تمام قوانین را بمجلس آوردن خوب نیست ما که در مجلس هستیم نمیدانیم که يك قانونی که به مجلس می آید چگونه می گذرد يك مذاکراتی باید در لوایح بشود و باید يك طوری بشود که نظر نمایندگان تأمین شود در هر صورت بنده تصور میکنم که با قید دو فوریت قانون گذراندن از مجلس خوب نیست.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اولاً باید آقای کازرونی خاطر مبارکشان مسبوق باشد که این يك چیز تازه نیست که ما

بخواهیم قانونی را بقید دو فوریت بگذرانیم و ثانیاً این مسئله اختیاری است که به کمیسیون عدلیه داده می شود و این کار هم بی سابقه نبوده است در ادوار سابقه هم همینطور شده است از آن طرف هم از توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند مطلع شدید که کمیسیون عدلیه چون عمرش نزدیک به اتمام است و يك شور غالب این لوایح در کمیسیون شده است و اگر نخواهید بیاید به مجلس و شور شود و باز برگردد به کمیسیون بعمر این کمیسیون نمیرسد و بعلاوه این اختیار نسبت به کمیسیون فعلی است و این يك قانونی نیست که يك دفعه سرکار به بینید و بدون این که از صدر و ذیل آن مطلع شده باشید رای بدهید، يك اختیاری است که بارها داده شده است و حالا شما میخواهید همان اختیار را بدهید این دیگر مطالعه لازم ندارد

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - موافقم.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بنده در اصل ماده حرف دارم

بعضی از نمایندگان - مخلفی ندارد.

رئیس - رأی گرفته میشود به فوریت قسم اول آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد فوریت قسم دوم مطرح است

مخلفی ندارد؟

ضیاء - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

ضیاء - بنده با اساس لایحه موافق هستم ولی بطوری که آقایان نمایندگان محترم متوجه اند در چندی قبل لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه راجع باین موضوع تقدیم شده بود و به کمیسیون رفته است و خبر کمیسیون هم راجع باین موضوع الان برای طبع حاضر است. بنده يك پیشنهادی هم تقدیم مقام ریاست کرده بودم که همان خبر کمیسیون عدلیه راجع به این موضوع مطرح شود برای اینکه آقایان نمایندگان محترم مطالعه کرده اند و هیچ تفاوتی هم نمیکند لایحه دولت این است که به کمیسیون عدلیه اختیار داده شود در حالتی که راپورت کمیسیون و خبر اصلی دولت هم مبنی بر همین موضوع است بنده يك پیشنهادی داده بودم که خبریکه کمیسیون داده است بجای این لایحه مطرح شود

رئیس - این پیشنهاد حالا مورد ندارد زیرا پیش

از این که این لایحه مطرح شود باید داده باشید آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده از توضیحاتی که آقا دادند درست ملتفت نشدم که تقدیم خبر از کمیسیون چه منافاتی دارد با اینکه دولت يك لایحه تقدیم کند و فوریت آن را بخواهد؟ در هر صورت بجبهاتی که ذکر شده است بواسطه کمی وقت مجلس باید موافقت کند که از وجود این کمیسیون و مطالعاتی که کرده است استفاده شود و این خودش يك جبهه مهمی برای فوریت است و بعلاوه تصور میکنم که حضرتعالی هم از نظر مخالفت با فوریت توضیحاتی ندادید که بنده جواب عرض کنم

رئیس - رای گرفته میشود به فوریت قسم دوم،

آقایایکه موافقتند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بنده اساساً اختیار به کمیسیون دادن را همیشه مخالف بوده ام آقایان متمسک میشوند به اینکه سابقاً هم این جور میشده است اگر مراد آقایان از سابقاً دوره دوم مجلس شورای ملی است بله دوره دوم يك کمیسیون بود

بعضی از نمایندگان - دوره چهارم و پنجم هم بود

مدرس - اکثر قوانینی هم که در عدلیه است غلبش از دوره دوم است و در آن موقع هیچ قانونی در عدلیه نبود و عدلیه بلا تکلیف بود و اکثر میخواستیم آن قوانین را به مجلس بیاوریم مدتها طول میکشید و وزارت عدلیه بلا تکلیف میماند پس يك اختیاری داده شد و يك اشخاصی که تجربه آموخته بودند يك قوانینی نوشتند که موقتاً اجرا شود، اگر منظور به آن سابقه است، اگر منظور به سابقه های دیگر است که به کمیسیون ها داده شد و يك قوانینی مثل قانون مجازات عمومی و قانون ثبت اسناد را نوشتند دیدید که خوب در نیامد و محتاج شد به اینکه نهایتاً در آنها نظر شود پس سابقه که تجربه شد و آن سابقه خوب در نیامد دیگر مستند نباید قرار داد، عقیده بنده بر این است که اگر عجله نداشته باشید و بتدریج قانون از کمیسیون بیاید در مجلس و تمام آقایان نمایندگان تمام مملکت توجه بهش داشته باشند و يك ماده يك ماده بگذرد البته استحکامش زیادتر است تا اینکه پنج نفر، ده نفر در يك کمیسیون باشند و نظریات آنها قانون بگذرد. البته امورات تدریجی است صد تا، دوست تا ماده قانون به این زودی نمیشود بگذرد و باید بتدریج بگذرد. لذا این عجله را که آقای وزیر عدلیه دارند بنده عقیده ام این است که عجلشان بيمورد است گر چه تصدیق دارم بعضی قوانین هم که مجلس شورای ملی می آید يك اشکالاتی پیدا میکنند مثل اینکه بعقیده من قانون ثبت اسناد که در کمیسیون گذشته يك قانونی بود که خودش خودش را نگاهداری می کرد و

مجلس شورای ملی که آمد خراب شد. اینها را هم دیده ام معذک است حکام قانون در این است که آقای وزیر عدلیه حوصله بکنند چهار تا ماده قانون، پنج تا ماده قانون در کمیسیون بگذرد و بیاید بمجلس و تمام وکلای مملکت نظریات خود را درش بکنند. با این حال محکمتر خواهد بود و اگر از این عقیده برنگردند بنده باز مخالف با آقایان نیستم لیکن من جزء کمیسیون عدلیه نخواهم بود و نکته دارد که نمیتوانم بمانم زیرا وقتی که نظریات نمایندگان تمام مملکت را دیدیم میتوانیم اتخاذ فلسفه کنیم ولی بنده نفر، دوازده نفر که احاطه شان کامل نیست انسان نمیتواند اتخاذ فلسفه کند که آن قانون قابل تصدق باشد.

لذا بنده استعفای خود را تقدیم میکنم

وزیر عدلیه - متأسفانه این کلمه آخر را که فرمودند از ده، یازده دقیقه پیش بنده مطلع شدم و پنج، شش مرتبه خدمتشان يك مکاتبه خیلی خصوصی و مختصر کردم که این کار را نفرمایند. ولی حالا در قسمت اول وارد میشوم. بنده شخصاً شاید عجله نداشته باشم و شاهد این عرض من هم این است که چند ماه بود لایحه این اختیارات را آورده بودم و تقدیم مجلس کرده بودم ولی فشار نمی آوردم و تقاضا نکرده بودم که پس از تصویب کمیسیون اجرا شود و در کمیسیون هم صحبت میکردم بنده میگفتم اگر بتوانیم قوانین را بیاوریم به مجلس بهتر است ولی رسیدیم به آخر عمر کمیسیون و دیدیم که این کار همینطور طول خواهد کشید و بطوری که عرض کردم بزحمت می افتم بعد از تشکیل کمیسیون آتیه هم باز ممکن است تکلیف این کار معلوم نشود بنده راجع به آن قسمتی که فرمودند چون يك قوانینی گذشته است از کمیسیون عدلیه که بعد در عمل دیدیم خوب نبوده است خواستم این را تذکر بدهم که روی این اصل اگر روی این اصل خواهیم کار بکنیم باید در مجلس شورای ملی هم قانون بیاوریم برای اینکه به تجربه، تجربه در دنیا ثابت کرده است که يك قانونی را که می آورند

به مجلس ورای میدهند بعد از مدتی باز ملتفت معایبش میشوند و اصلاحش میکنند، همه جای عالم اینطور است بالاخره قوانینی که بشر وضع میکنند اینها همه قابل تغییر و محتاج تغییر هستند و از این حیث تصور نمیکم که تغییر بزرگی بین قانونی که از مجلس بگذرد با کمیسیون باشد. و مخصوصاً با آن تذکری که در آخر فرمودند که در کمیسیون با يك خیال فارغ تری صحبت و مطالعه میشود و وقتی که به مجلس می آید بجهت اینکه ناطقین مختلف صحبت می کنند يك پیشنهاد هائی قبول می شود که ابدأ خوب نیست و در گرمای صحبت انسان ملتفت نمیشود مثل آن پیشنهاد آقای فیروز آبادی که قبول شد مگر اینجا به بنده گفته شد که خوب پیشنهادی نبود که قبول کردید. و بنا بر این بنده تصور میکنم که این کار از نقطه نظر ضرورت است و اگر مدت داشتیم بنده هم با نظر آقای مدرس موافقت میکردم ولی چون مدت نداریم بنده موافق نیستم و امیدوار هستم که ایشان هم استعفای خودشان را پس بگیرند که وجودشان واقعاً برای کمیسیون عدلیه مفتم است زیرا افکار ایشان يك افکاری است که حتی الامکان باید در اینطور قضایا باشد و هر طور که میدانند افکارشان را بفرمایند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده آن نظر آقای مدرس را ندارم که میفرمایند لوائح قانونی که از طرف وزارت عدلیه تقدیم میشود باید بمجلس بیاید برای خاطر اینکه این مسئله همانطور که آقای عراقی اظهار کردند مطابق سابقه است که در دوره چهارم و پنجم هم این عمل را کردیم و مجلس اختیار داد بکمیسیون عدلیه و منحصر بقانون ثبت اسناد هم نبود قوانین بزرگ ما را کمیسیون گذراند و مجلس هم اختیار داد بوزارت عدلیه که آن قوانین را بموقع اجرا بگذارد و بموقع اجرا هم گذاشت و خیلی هم خوب است مثلاً همین قانون مجازات خیلی خوب قانونی است به علت این که حقیقه يك استقلال قضائی

بما داده است، قانون شرکت ها خوب قانونی بوده است ولی چیزی که خواستم توجه آقای وزیر عدلیه را بان جلب کنم این است که در دوره چهارم یا در دوره پنجم تا اندازه جلب نظر نمایندگان میشد باین معنی قانونی که می آمد در کمیسیون کمیسیون مأمور بود مکلف بود که آن لایحه که شور اولش را تمام میکنند یازده روز ده روز وقت برایش معین میشد تا شور ثانی و در این مدت قانون منتشر میشد بین نمایندگان و بعضی از نمایندگان با غالب از آنها نظریاتی که داشتند می آمدند به کمیسیون و اظهار میکردند، مخصوصاً بنده در دوره پنجم در کمیسیون عدلیه بودم لوائی که می آمد و شور اولش میشد منتشر میکردیم و آقایان نظریات خودشان را اظهار میکردند مثلاً حضرت آقای مدرس در قانون مجازات يك نظریات خیلی عالی اظهار کردند، آقای دکتر مصدق همینطور دیگران هم همینطور چرا؟ رای اینکه منتشر کردند ولی حالا اگر این طور نباشد خود آقای وزیر عدلیه تصدیق می کنند (گر چه بنده خیلی مطمئن هستم باین نمایندگان که در کمیسیون هستند که یعنی بین الله تصدیق کنید که نظر نمایندگان جلب شود و بنده هم بك تبصره پیشنهاد کرده ام که پنج روز ده روز مابین شور اول و ثانی فاصله قائل شوند که آن لوائح را منتشر کنند بین نمایندگان که اگر يك کسی باشد بخواد عمل به تکلیف خودش بکند شاید يك کسی باشد که بخواد عمل به تکلیف خودش بکند بخواد نظریاتی که دارد تقدیم کمیسیون بکند. بنده مطابق این عقیده و مطابق سابقه که بوده است تبصره پیشنهاد کرده ام که لا اقل شور اولش که تمام شد منتشر کنند بلی حالا آقای وزیر عدلیه اینجا فرمودند که وقت منقضی میشود خوب این غیر از این است که ما آراء و نظریات خودمان را مدخلیت ندهیم، وقت منقضی میشود بشود این کمیسیون نباشد يك کمیسیون دیگر مجلس شورای ملی که تمام نمیشود، باید نظریات نمایندگان را در این قوانینی که

از کمیسیون میگذرد جلب کرد و حالا اگر بازده روز زید است، ده روز زیاد است، پنجروز مهلت بدهید که آقایی نظریات خودشان را تقدیم کمیسیون بکنند. وزیر عدلیه - عرض کنم که این سابقه را که آقا فرمودند اگر اشتباه نکنم گویا منحصرأ در دوره پنجم بوده است و الا در ادوار دوم و سوم و چهارم همین شکلی که بنده پیشنهاد کردم اختیار داده شده است و آنهم از نظر این بود که قانون مجازات عمومی فوق العاده طرف توجه بود و این پیشنهاد شد و بنده عرض میکنم که این سابقه که يك مرتبه بوده است لازم نیست که ما مجدداً آنرا اعمال کنیم و تکرار کنیم و ثانیاً اصلاً دلایل بنده را نمیدانم ملتفت شدید یا خیر؟ گویا در کمیسیون عدلیه تشریف آوردید، در کمیسیون عدلیه ما يك جور مخصوصی کار میکنیم. اولاً کمیسیون عدلیه را آزاد گذاشتیم و آقایانیکه تشریف میآوردند حتی شرکت در مذاکره هم میکنند و اگر آقایان نظریاتی داشته باشند مانعی نیست که تشریف بیاورند به کمیسیون و اظهار کنند و گمان میکنم این قیدی را که آقا میفرمایند بشود باعث طول کار است

رئیس - آقای شریعت زاده موافقت؟

شریعت زاده - بلی موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - موافقم

رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - اولاً عرض میکنم که قانون گذاری را

باید فهمید قانون گذاری يك تشریفاتی دارد که در قوانین و در نظامنامه داخلی شرایط آن قید شده است قانون را وقتی قانون میگویند که با رعایت و در نظر گرفتن این تشریفات از تصویب مجلس شورای ملی گذشته باشد چنانچه آقای مدرس اظهار فرمودند. يك وقتی نمیدانم چطور شده بوده است نمیدانم وقتشان اجازه نمیداده است که اجازه داده اند يك قانونی را که از کمیسیون گذشته است موقتاً بموقع عمل و اجرا بگذارند و بعد بیاورند به مجلس حالا ده بازده سال از عمر این گذشته است بنا بر این نمیدانم که چه وقت این قوانین باید به مجلس بیاید پس نمیدانم تا حالا که به مجلس نیامده است چطور ما میتوانیم کله قانون را به آنها اطلاق کنیم؟ گمان میکنم که بیش از بازده سال اگر چنانچه شما برای آزمایش وقت لازم داشته باشید پس قانون مؤید اسم آنرا بگذارید بواسطه اینکه قوانین بایستی لته هر چند سالی بکمتره تجدید نظر درش بشود قوانین عدلیه شما پس از ده سال بازده سال هم قابل این نیست که تجدید نظر درش بشود؟ علاوه بر این این لفظ (موقت) که آورده اند این جا گذاشته اند بنده میخواستم معنای آنرا از خیر محترم سؤال کنم که موقت یعنی چه و مقصودشان چه چیز است؟ اگر موقت این است (که دیدیم) یعنی مؤید؟ بسیار خوب و الا باید يك وقتی معین شود پنجسال دهسال سه سال، پنجروز، ده روز که بعد از آن مدت دو باره بیاورند بمجلس اگر معنی موقت این است که وقتی رای آزمایش آن معلوم شود پس وقتش را معلوم کنید که دو سال سه سال چهار سال باشد. و الا اگر مقصود از موقت یعنی مؤید پس نمیدانم این لفظ برای چه این لفظ موقت را این جا گذاشته اند؟ اگر وقت معین کنید آنوقت موقت میشود و اگر معین نباشد دیگر نمیشود گفت (موقت) چون سانش معلوم نیست.

وزیر عدلیه - عرض کنم که بالاخره از يك نظر -

تمام قوانینی را که مجلس وضع میکند موقتی است بالاخره

در ضمن عمل يك اطلاعاتی پیدا میشود و تغییراتی پیدا میشود و يك اصلاحاتی بنظر می آید و دو باره بمجلس برای اصلاح میآید. لیکن از طرف دیگر اگر نخواهیم بگوئیم مقصود از قانونی که اسمش را گذاشته اند موقت یعنی چه یعنی قوانینی که از طرف کمیسیون عدلیه بمجلس شورای ملی میگذرد و اجازه داده میشود که دولت آن را بموقع اجرا بگذارد موقت است (چون بنده اینجا نظر بقسمت اول بیانات آقا داشتم) لازم میدانم عرض کنم که مقوانینی را از کمیسیون عدلیه گذشته است قانون میدانیم و بطور قانون آن عمل میکنیم و این نکته از نظر محاکمات و بعضی نظر های دیگر خیلی برای ما اهمیت دارد. منتها يك قانونی است که بنا بر اجاره مجلس از کمیسیون عدلیه گذشته است و باید ثانیاً بیاید و از مجلس بگذرد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

حاج میرزا مرتضی - مخالفم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - عرض کنم که این مسئله يك مسئله مهمی است و حقیقه وکالت در توکیل است ما وکیل هستیم وکیل در توکیل نیستیم که وکالت بدهیم بکمیسیون عدلیه قانون بگذارند

اولاً آقای وزیر عدلیه این مسئله را باقید دوفوریته بمجلس شورای ملی آورده اند. در موقعی هم که مذاکره میخواهد بشود آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است. کافی است و بالاخره نظریه آقایان وکلا معین نمیشود و همه آقایان میگویند کافی است!!

با اقلاً فوریت را بردارید که کاملاً مذاکره بشود در این مسائل و بالاخره آدم بفهمد و رای بدهد. و اگر فوریت را می خواهید يك فرجه بدهید که آقایانی که می خواهند رای بدهند يك مطالعه بکنند و يك مذاکراتی بشود و بفهمند بچه رای میدهند و آن رایی که میدهند مفید است یا نه؟

بنده عقیده ام این است اجازه داده شود که بقدر کافی مذاکره شود تا مطلب درست فهمیده شود آن وقت رای بدند.

وزیر عدلیه - اساساً تصور میکنم که آقا خوب است يك مسئله را هم در نظر بگیرند اینکه گفته میشود هی آقایان مذاکره کنند مذاکره کنند اینهم در این مملکت جزء يك اصولی شده است! مذاکره جزء اصول اساسی شده است مذاکره برای مذاکره! مذاکره برای خاطر مذاکره! آقا اینطور نیست!

حاج میرزا مرتضی - پس چشم بسته رأی بدهیم!؟ وزیر عدلیه - آقا اجازه بدهید بنده در ضمن صحبت شما صحبت نکردم و هر قدر هم میخواستید حرف بزنید بنده باز ساکت می نشستم و گمان میکنم که بتوانید به بنده این حق را بدهید که من هم حرف بزنم و شما ساکت بنشینید مذاکره و اظهار عقاید مختلف کردن و شور کردن در يك موضوعی که تاریکی داشته باشد و حل نشده باشد البته لازم است ولی يك مسئله مثل این مسئله ایامهترین است یا عملیترین است (جز در يك موارد خاصی) نه کمیسیون عدلیه اجازه داده شود که بنشینند با دقت يك قوانینی را نگاه کنند و اطرافش را مطالعه کنند و رأی بدهند و بموقع اجرا بگذارند تا اینکه بیاورند بمجلس؟ آقا انصافاً بنده از شما میپرسم واقعاً و حقیقه خواهش میکنم که تعارف هم نشود نه به کمیسیون عدلیه و نه بمجلس شما تصور میفرمائید که يك قانون سیصد ماده اگر بیاید بمجلس ممکن است از مجلس شورای ملی بگذرد؟ در تمام يك دوره ممکن نیست این تجربه و عمل است (مخصوصاً در مملکتی که عادت بر این جاری شده است که در مجلس شورای ملی هر چیزی که طرح میشود تمام نمایندگان درش اظهار نظر میکنند) در صورتیکه در خیلی از نقاط دیگر عالم که عادت در این قضایا دارند يك اشخاص معین و هر کس در موضوع معینی که بیشتر بان مربوط است صحبت میکنند بنا بر این تقاضا کرده اند این اختیار را بکمیسیون عدلیه

بدهند و این يك چیز نازده نیست بنا بر این اکثریت مجلس باید نگاه بکنند این اصلی که اینطور درش بحث شده است و حلاجی شده و درش عمل شده است آیا اکثریت طرفدارش هست یا نه؟ اگر اکثریت طرفدار بودند باید آن کار را کرد اگر نبودند که هیچ

روحی - اجازه می فرمائید بنده موافقم عرض کنم؟

رئیس - آقای وزیر اظهار کردند آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - اکثریت است. رای گرفته میشود به ماده واحده ...

بیات - بنده پیشنهادی کرده ام

رئیس - صحیح است. پیشنهادات چند فقره است پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(باین ترتیب خوانده شد)

اضافه تبصره ذیل را به ماده واحده پیشنهاد می کنم.

لوائح قانونی که کمیسیون شور اول آنرا نموده باید منتشر شده و نظر نخبه نمایندگان جلب شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - حیف که آقای وزیر عدلیه تشریف بردند که بایشان عرض کنم در دوره چهارم و پنجم این مسئله بقدری اهمیت پیدا کرد که بعد پیشنهاد شد و گویا آنوقت آقای آشتاب رئیس کمیسیون بودند که در مجلس رأی داده شد که تمام وکلا حق دارند بروند به کمیسیون عدلیه و بعد هم بهمین اندازه کفایت نکرد و این مسئله مسئله ای بود که مجلس در این باب خیلی جدیت کرد. و اینکه فرمودند فقط راجع بقانون مجازات بود قانون شرکتهای هم همینطور بود. و قوانین دیگر هم همینطور بود. آخر اساساً اکثریت مجلس که میخواهد

رأی بدهد بدوازده نفر باید جلب نظر باقی دیگر هم بشود خوب ما میگوئیم در مجلس نباید محل بحث بشود ولی آقایانی هم که يك نظر بانی دارند نظریاتشان نباید از بین برود. این بود که بنده پیشنهاد کردم نظر به حقوق وکالتی خودمان که نسبت بقوانین داریم این قوانین طبع و توزیع شود پنج روز هم بیشتر برای آن مهلت قرار بدهند و بین نمایندگان منتشر کنند که هر کس نظری دارد بکمیسیون بدهد تا اینکه این حق وکالتی ما از بین نرود گمان نمیکنم که از محل یا اختیارات کمیسیون باشد و ضرری هم داشته باشد قانون هم بهتر و صحیح تر بموقع اجرا گذاشته میشود. میدانم حالا اگر آقایان مخالفت میکنند مختارند. آقای داور فرمودند که اکثریت رای خواهد داد دیگر صحبت نکنند. یکی از افراد اکثریت آقای کازرونی است اینجا مخالفت میکنند آنجا رای میدهد اینطور است دیگر!

رئیس - آقای باسائی

باسائی - همانطور که گفته شد این سابقه که لوایحی که در کمیسیون عدلیه مطرح میشود طبع و منتشر شود و بنظر آقایان رسانیده شود این سابقه در دوره پنجم بود و این قانون فقط قانون جزای عمومی بود و خوب بخاطر داریم که مدتی ما انتظار کشیدیم که نظریات آقایان کی می آید و مثل سایر لوایح آقایان میگذشتند در جیبشان ولی آقای دکتر مصدق و آقای مدرس بنظم میآید که اعتراضاتی کردند حالا هم مانعی نیست آقایان نمایندگان هر نظری دارند بیابند بدهند بکمیسیون و اعضاء کمیسیون هم وقتی که دیدند يك موضوع قابل توجهی است البته ترتیب آن میدهند و بعلاوه اشکال ندارد که در کمیسیون هم حاضر شوند و بطور خصوصی يك مذاکراتی بکنند هیچ مانعی ندارد بعضی اشخاص هم مثل خود آقای آقا سید یعقوب و سایرین حاضر شده اند در آنجا. و اینکه فرمودند آقای کازرونی جزء اکثریت هستند و با فوریت مخالفت می کنند و رای هم

می دهند ایشان فرمودند که من با اساس این مسئله موافق هستم و در اساس لایحه هم رای دادند. ممکن است يك کسی در فوریت يك لایحه نظری داشته باشد ولی در اساس حرفی نداشته باشد پس این اعتراض هم وارد نبود.

آقا سید یعقوب - من پیشنهاد خودم را استرداد میکنم ولی حق نمایندگی را باپای خواهد کرد

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(باین مضمون قرائت شد)

تبصره ذیل را ماده واحده پیشنهاد میکنم

تبصره - لوایح مزبوره فوق در کمیسیون عدلیه مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد کمیسیون مدنی را معین خواهد کرد که نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه بکمیسیون بدهند و شور دوم پس از انقضاء مدتی که معین شده است بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنده از تقدیم این پیشنهاد و پیشنهاد دیگری هم که دادم که خبر کمیسیون عدلیه مطرح شود مخالفتی نداشتم و ندارم. ولی اینطور قضایا که با قید در فوریت به مجلس میآید باید نظر نمایندگان لا اقل نمایندگانی که با دولت مخالف نیستند و موافقت دارند جلب شود. بکنفر از نمایندگان - جلب شده است

ضیاء - این پیشنهاد نظر به این موضوع که در دوره پنجم معمول بود و آقای باسائی هم اشاره فرمودند داده است اصلاً مجلس با کار سری کردن مناسقات دارد این آیات آسمانی (و شاورهم فی الامر) هم با کار کردن سری در مجلس کاملاً منافی است. لوایح قانونی میآید برای اینکه نمایندگان مجلس نظر کنند و رای بدهند حالابك وقت هست که مطابق تشخیص وزیر عدلیه اینطور تقاضا میشود که مطالب از نقطه نظر سرعت جریان با اینکه درست ماده و سیصد ماده است و باید زودتر تصویب شود به کمیسیون حاضر این اختیار داده شود

در عین حال پیشنهاد شده است که بین دو شور شور اول را که کمیسیون عدلیه تصویب کرد خبرش را بین نمایندگان منتشر نکنند کمیسیون بوظیفه خودش رفتار کرده است نمایندگان هم موظفند بوظیفه خودشان عمل کنند حالا اگر بکوتی موافق فرموده آقای باسائی يك کسی بوظیفه خودش عمل نکرد بالاخره يك اصل را که نباید گذاشت ضایع شود. نمایندگان باید نظر کنند. یعنی شور اول باید تمام شود طبع و توزیع میکنند نمایندگان نظر میکنند نظریات خودشان را به کمیسیون میدهند با برای توضیح در کمیسیون حاضر میشوند آنوقت کمیسیون رأی قطعی را میدهد. باین ترتیب آن قوت قانونی به معنای واقعی خودش هم جلب شده است. این پیشنهاد هم اصل همان تبصره است که بکوت تصویب شده و تقریباً یکساعت آنطوری که من در نظر دارم در موضوع این پیشنهاد صحبت شده است و حل شده است

وزیر عدلیه - البته این يك نظری است. فقط نتیجه اش این خواهد شد که اختیار لازم نیست. زیرا تا اینمدت دیگر کمیسوی نخواهد بود که بین شور اول و دوم آن مذاکره بکند و پیشنهادی که ایشان کرده اند عملی بشود.

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد ...

ضیاء - بنده استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای بیات

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده واحده بعد از پیشنهاد (نموده) اضافه شود

رئیس - آقای بیات

مرضی قلیخان بیات - در این پیشنهادی که کرده اند نوشته شده (پیشنهاد میآید) این عبارت راجع می شود بقوانینی که بعد بمجلس شورای ملی بیاید. در صورتی

که يك قوانينی را هم قبلاً پیشنهاد کرده اند و گمان می کنم نسبت باین قسمت اسباب اشکال بشود باین جهت بنده این را پیشنهاد کردم

وزیر عدلیه - بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که نوشته شود و پس از آزمایش در مدت یکسال در عمل نائیا تا ناخر ماده .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود اولاً من خیلی متأسفم که الحمدلله ما يك قوانين صحيح و محکم داریم میدانم چرا باید عمل نکنیم و این پیشنهاد بشود . یعنی يك پیشنهادی را آقای وزیر عدلیه بفرستند بکمیسیون در آنجا يك شور شود اختیاری داده شود که وزیر عدلیه برود عمل کند و صحت و سقم آنرا بفهمد در مدت یکسال دو سال پنج سال چقدر حقوق درین مدت ضایع بشود چقدر حوقها ناحق شود تا معلوم بشود این قانون عملی است یا نه .

ما بیائیم این قسم قوانین را بگذرانیم و قوانین صحیح خودمان را کنار بگذاریم ، حالا از اینها گذشته اینجا نوشته است که مجلس شورای ملی بوزیر عدلیه اجازه میدهد کلیه لوایح قانونی را بعد از تصویب کمیسیون عدلیه موقتاً بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش در عمل نائیا برای طرح در مجلس شورای ملی . . . و هیچ مدت معین نکرده است . مطابق این ترتیب یکسال یا دو سال یا پنجسال باده سال هم ممکن است مدت آزمایش قرار داد و حال آنکه نه نظر وزیر عدلیه این طور است نه نظر مجلس ، پس خوب است این را موقت قرار بدهند و معین کنند که زمان آزمایش آن چقدر است یکسال دو سال سه سال ، باین ملاحظه که چون زمان آن معین نبود و ممکن بود تا ده سال هم زمان آزمایش را قرار داد بنده پیشنهاد کردم که مدت آزمایش

یکسال بشود و امید است که انشا الله این عرض بنده را قبول کنند .

رئیس - آقای عرقی

عرقی - آقای فیروز آبادی باید خاطرشان مسبوق بشد که قوانین عدلیه که تا بحال در موقع اجرا بوده است تمام بطور موقت بوده که آزمایش بشود و پس از آزمایش بیاید به مجلس برای تصویب . . .

فیروز آبادی - بازده سال موقتی است ؟

عرقی - اجازه بفرمائید تا وقتی که شما فرمایش میکردید من سکوت صرف بودم بگذارید . بنده هم حالا عریضم را عرض کنم . این قانون با آن قوانین فرق ندارد یکسال را نمیشود مدت قرار داد آنوقت این قانون یکسال است و این خوب نیست ما میخواهیم که در آزمایش معلوم شود که این قانون خوبست یا اگر معایب داشت به مجلس بیاید و آن معایب رفع شود اینکه میفرمائید در یکسال آزمایش شود شاید در یکسال معایب آن معلوم نشود این است که یکسال و شش ماه عملی نیست و این باید مدتی بموقع عمل گذارده شود که اگر معایب داشت نائیا که به مجلس می آید رفع شود

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای روحی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که لایحه حکمیت نیز پس از تصویب کمیسیون عدلیه بموقع اجرا گذارده شود ناپس از آزمایش به مجلس شورای ملی ارجاع شود .

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده شاید اخلاقاً موظف نبودم که این پیشنهاد را بکنم ولی فرط علاقه ام باین قانون بنده را ملزم کرد که این پیشنهاد را داده باشم . قانون حکمیت

بطوریکه طبع شده و غالب آقایان هم دیده اند درجرايد هم در دسترس مردم گذاشته شده است بهترین قوانینی است که از طرف وزارت عدلیه بمجلس شورای ملی تقدیم شده . این قانون بعقیده بنده تسهیل میکند مرافعات حقوقی مردم را و بکلی آنها را از بین خواهد برد و بنده عقیده دارم که اجازه بدهند آن قانون هم مثل سایر قوانین پس از گذشتن از کمیسیون عدلیه بموقع آزمایش و عمل گذاشته شود . شاید در عمل يك اشکالاتی داشته که حالا ما بآن اشکالات واقف نیستیم . پس از عمل این قانون هم مثل سایر قوانین بمجلس شورای ملی بیاید و الا اگر این قانون با قید يك فوریتی که درش شده بمجلس شورای ملی بیاید تصور نمیکنم بگذرد با این وقت تنگی که برای کمیسیون مانده است و نگذشتن اینقانون باعث میشود که حقوق خیلی ها تضییع شود

وزیر عدلیه - نماینده محترم از نظر علاقه به لایحه حکمیت بود که این اظهاررا کردند والا خودشان هم تصدیق کردند که این پیشنهاد را نباید بدهند . بنده میخواهم همان نکته ایشان را بگیرم و بگویم از نقطه نظر علاقه ای که باین قانون هست محظوری که برای دو شوری بودن سایر قوانین داریم که بنده عرض کردم موافقت فرمایند و اخلاقاً موافقت فرمایند و این پیشنهاد را پس بگیرند و بگذارند این قانون از سایر قوانین استثناء شود .

روحی - بنده مسترد میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قوانینی که از کمیسیون میگذرد پس از ششاه آزمایش به مجلس شورای ملی آمده و به تصویب مجلس برسد

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - بنده مقصودم از این پیشنهاد این بود حالا که آقای وزیر محترم عدلیه مایل نیستند همه نمایندگان در قوانین نظر داشته باشند و شرکت

بکنند در تصویب قوانین و يك عده مخصوصی را میگویند آنها نظر داشته باشند (اقلاً اجازه بدهند که این قوانین بعد از شش ماه یا زیاد تر به مجلس آمده و تصویب شود تا مثل قوانین دوره دوم نشود که الان بازده سال یا متجاوزات که از تصویب کمیسیون گذشته ابدأ بمجلس نیامده است و همینطور قوانین دوره پنجم که حالا سه چهارسال است از تصویب کمیسیون گذشته است و هنوز بمجلس نیامده است و بعد از این هم نخواهد آمد این قوانین هم که از کمیسیون عدلیه میگذرد بعد از این نخواهد آمد . بنده عقیده ام این است که يك مدتی را معین کنیم حالا به مدتش کار ندارم یا شش ماه یا یکسال یا زیاد تر که اینها پس از آزمایش در آن مدت بمجلس بیاید و تصویب شود تا مطابق قانون اساسی قانونیت داشته باشد .

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - نماینده محترم تصدیق میفرمایند که مقصود ازینکه میخواهند يك قوانینی را قبلاً بموقع آزمایش بگذارند بعد به مجلس شورای ملی بیاورند برای تصویب این است که در موقع آزمایش و عمل ببینند این قوانین نواقصی دارد یا ندارد و اگر معایب و نواقصی دارد یا ندارد و اگر معایب و نواقصی دارد آنها را در موقع اصلاح پیش بینی کنند که يك قانونی از تصویب مجلس بگذرد که هیچگونه تقیصه و عیبی نداشته باشد . و بعقیده بنده اگر نخواهیم برای آزمایش این مدت را معین کنیم نقض غرض است . چرا ؟ برای اینکه معلوم نیست يك قانونی چقدر مدت لازم دارد تا در موقع عمل آزمایش بشود . مگر اینکه برای آن مدت آزمایش هم يك آزمایشی شده باشد و معلوم شده باشد که قبلاً قوانین چقدر وقت برای آزمایش لازم دارد . تا آنوقت جنابعالی بتوانید پیشنهاد کنید که فلان مدت آزمایش شود یا اینکه بنده تصور میکنم که اگر جناب عالی اصراری درین نظر داشته باشید نقض غرض باشد .

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد پیشنهاد آقای عدل

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم در ماده واحده لفظ فعلی حذف شود.

رئیس -- آقای عدل

عدل -- عرض کنم مخالفت بنده بواسطه اینست که این قانون مکرر از مجلس گذشته است سابقاً در مجالس پنجم و چهارم گذشته و این لفظ فعلی در آنجا نبود يك خبری سابقاً کمیسیون داده است يك عبارتی آنجا نوشته است که يك قدری تصریح دارد آنجا می نویسد پس از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی منتخب در ۲۱ آبان ماه ۱۳۰۶ موقتاً بموقع اجرا گذاشته میشود پس از آزمایش در عمل نانیاً به مجلس پیشنهاد میشود از اینجا همچو معلوم میشود که قبل از انقضای این کمیسیون هم پیشنهاد هائی که از طرف وزارت عدلیه میشود باید بآن کمیسیون برود یعنی پس از تمام شدن مدت کمیسیون باز هم آن اختیاراتش باقی است اخیراً در ماده واحده که آورده اند اگرچه تا آن اندازه واضح نیست ولی اگر این لفظ فعلی باشد تا يك اندازه بنظر میاید که بعد از این کمیسیونها بیکه در آتییه میایند دیگر اجازه ندارند مگر اینکه این کمیسیون این اجازه را دارد که این قوانین را مطالعه کند و تصویب کند و حال آنکه در قوانین سابق اینطور نبوده است ، موادی را که سابق در دوره پنجم گذشته است حضور مبارکتان میخواهم مینویسد: وزارت عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که در دوره پنجم مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا مینماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش این است که بنده تصور میکنم این لفظ (فعلی) يك اسباب زحمتی خواهد شد مگر اینکه يك توضیحی بدهند که بنده پس بگیرم والا خوب است برداشته شود

وزیر عدلیه -- بنده تصور میکنم حد وسط را بگیریم نه آنطوری که بعضی آقایان میفرمودند که اصلاً اختیار به کمیسیون ندهیم و نه اینکه بگوئیم هم باین کمیسیون و هم به کمیسیونهای بعد اینکه بنده عرض کردم به کمیسیون فعلی اختیار داده شود برای این بود که مدتش کم است در کمیسیون آتییه شاید اصلاً احتیاج نداشته باشیم اگر هم ضرورتی پیدا کرد مجدداً خواهیم خواست بنا بر این گمان میکنم آقا هم موافقت فرمایند و پیشنهادشان را پس بگیرند

عدل -- بعد از این توضیح مسترد میدارم

رئیس -- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که اضافه شود در ماده واحده غیر از قانون حکمیت

وزیر عدلیه -- با آن توضیحی که قبلاً داده بودند و بنده هم اظهار موافقت کرده بودم موافقم که نوشته شود غیر از لایحه قانون حکمیت

آقا سید یعقوب -- بسیار خوب

رئیس -- ماده واحده با آن تغییری که داده شده خوانده میشود

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده واحده -- وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده با استثنای لایحه قانون حکمیت بعد از تصویب کمیسیون فعلی عدلیه مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید وزیر عدلیه -- بنماید

رئیس -- آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده

می شود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

وزیر داخله -- البته آقایان کاملاً میدانند که اهمیت امور صحی باندازه ایست که به ذکر دلیل و توضیح محتاج نیست و دولت بهمین نظر بکار صحیه اهمیت میدهد و از جمله چیزهائی که در نظر گرفته شده است این است که يك مرابخانه بطرز و اصول جدید در طهران بنا نماید يك مبلغی هم در بودجه صحیه برای اینکار منظور شده که برای سال ۳۰۷ و همچنین سنوات بعد بعد این مبلغ منظور خواهد بود و برای تاسیس مرابخانه و تکمیل بنا و احتیاجات آن مرابخانه و هم چنین سنوات بعد این مبلغ منظور خواهد بود و برای تاسیس مرابخانه و تکمیل بنا و احتیاجات آن مرابخانه و هم چنین هم چنین برای اینکه تشکیلات صحیه يك اصول جدیدی پیدا کند و بطرز جدیدی اداره شود دولت در نظر گرفته است يك نفر متخصص از اروپا بیاورد که هم کار باست مرابخانه بر عهده او باشد و هم مشاوره طبی اداره صحیه کل باشد این است که لایحه ایست راجع به استخدام همین متخصص تقدیم مجلس شورای ملی میشود

رئیس -- به کمیسیون بودجه مراجعه میشود

آقا سید یعقوب به داخله هم باید برود

بعضی از نمایندگان -- خیر، به کمیسیون بودجه جدید و خارجه

رئیس -- پیشنهاد آقای دکتر طاهری

(بان مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون فوائد عامه راجع بچاه آرتزین مطرح شود

رئیس -- پیشنهاد آقای روحی و آقای جلائی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنیم خبر کمیسیون بودجه راجع به كك مالی به کارخانه ریسمان بانی مرحوم صنیع الدوله

و شرکاء جزو دستور شود

(چند فقره پیشنهاد دیگر بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد میباید خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بخصیجات انتقالی در درجه اول جزء دستور و مطرح شود

پیشنهاد آقای مفتی

پیشنهاد میکنم لایحه خالصجات انتقالی در درجه اول جزء دستور شود

پیشنهاد آقایان عدل و زوار و امامی

امضا کنندگان تقاضا مینمائیم خبر کمیسیون بودجه راجع بشهریه محمد رضامیرزا در درجه اول جزء دستور جلسه آتییه شود

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- چون مذاکره بود که قانون جعل احوال مطرح باشد از این جهت بنده پیشنهاد کردم لایحه چاه آرتزین که شش ماده و مختصر است مطرح شود. اگر آقایان با پیشنهاد آقای ملک مدنی موافقت مینمایند که لایحه خالصجات انتقالی مطرح شود بنده هم مسترد میدارم

رئیس -- آقای روحی

روحی -- چیزی که به نصف شب نداریم شاید بیست دقیقه بیشتر نیست و لایحه خالصجات سه چهار ماده است بنده عقیده دارم که آقایان موافقت کنند که خالصجات انتقالی در جلسه آتییه اول جلسه مطرح شود بنده هم مساعدم و خواهش میکنم حالا این كك مالی بکارخانه مرحوم صنیع الدوله و شرکاء که خیلی وقت است مانده و ارتباط به توسعه امور اقتصادی دارد و ما هم از لحاظ توسعه امور اقتصادی موظف هستیم با اینطور کار خالصجات موافقت کنیم آقایان هم موافقت کنند. بیست دقیقه هم بیشتر وقت مجلس را نمی گیرد آنوقت در جلسه آتییه در اول دستور لایحه خالصجات مطرح شود.

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده خودم هم تصدیق میکنم که این پیشنهاد هائی که داده شده است همه این قوانین خیلی مفید است ولی چون خالصجات انتقالی شور اولش گذشته است و شهر دوشم هم یکی دو ماده بیشتر نمائده و نزدیک است تمام شود این است که استدعا دارم آقایان هم موافقت بفرمایند در درجه اول مطرح شود بعد ما هم موافقت میکنیم آنها مطرح و تمام شود.

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون عدلیه راجع به مجازات مرتکبین قاچاق مطرح شود

رئیس - آقای دشتی

دشتی - وقتی پیشنهاد بنده قرائت شد یک نفر از آقایان نمایندگان خنده کرد مثل اینکه يك چیز عجیبی است در صورتیکه بنده میتوانم بگویم که امروز در بندر جنوب ابد چیزی عاید دولت نمیشود. مأمورین و مفتشین كمرک هم به اسم گرفتن قاچاق تمام اموال مردم را گرفته اند و هیچ تاجر را نمیکذارند به کسب خودش برسد و يك بد بختی تمام اهالی جنوب را گرفته است و این يك ماده هم بیشتر نیست و سه سطر است و تصور نمیکم يك چیزی باشد که محتاج بنظریات دور و دراز باشد به اینجهت بنده از رفقای فرا کسیون خودم مخصوصاً خواهش و استدعا میکنم که در این باب با بنده موافقت بفرمایند و رای بدهند که این مسئله جزء دستور شود و لایحه خالصجات انتقالی در اول دستور جلسه آتی باشد و بنده هم موافقت میکنم

رئیس - رای میگیریم اول به پیشنهاد آقای روحی

راجع به کاوخانه ریسان بقی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. رای گرفته میشود به پیشنهاد

آقای ملک مدنی راجع به خالصجات انتقالی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، ماده هفتم قرائت میشود

(مضمون ذیل خوانده شد)

ماده هفتم - خالصجاتیکه در نتیجه نمرد با طغیان بتصرف اشخاصی در آمده است و برای دولت به لحاظی استرداد آنها مقدور نبوده است مشمول مواد این قانون نخواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك مسئله هست در لسانیکه داشتیم میگفتیم این استثناء منقطع است یعنی خروج موضوعی دارد، خالصجاتی که در نتیجه نمرد با طغیان بتصرف اشخاص در آمده است غیر از خالصجاتی است که در هزار و سیصد یا قبل از هزار و سیصد بوسیله فرامین با يك ترتیبی بدست مردم آمده است و اینکه يك طغی و یاغی آمده است و دست انداخته است يك ملک را برده است مربوط باین نیست بنده نمیدانم نظریکه این ماده را نوشته اند چیست؟ جز اینکه يك مدنی وقت مجلس را بگیرد فایده دیگری ندارد، شاید بنده هم بی اطلاع نباشم اصلاً این موضوعی را که اینجا نوشته اند خروج موضوعی دارد، ما قانون میگذاریم برای خالصجات انتقالی که در تصرف مردم است و مالیات میدهند و برای آن ترتیبی که مردم گرفتارند قانون میگذاریم. بنده اصلاً با این وضع ماده بکلی مخالفم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم بنده علت اینکه با این ماده موافق بودم باین نظر بود که کمیسیون حقوق و منافع دولت را در عین اینکه میخواهد املاک را يك نسق

بکند حفظ کرده است و بنده مدافع این لایحه شدم یعنی موافقت کردم برای اینکه این مواد تصویب شود مسئله خروج موضوعی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اینجا مورد ندارد این قانون است. قانون یعنی يك قراردادی ما بین دولت با مردم و مجلس شورای ملی و باید قانون طوری باشد که همه بفهمند و خیلی ساده باشد و طوری باشد که اسباب زحمت نشود. خروج موضوعی اصول علمی است و مستثنای منقطع را باید در نحو خواند. اینجا صحبت اینست املاکی که در موقعی که قدرت دولت محرز بوده است رسیده است بدست يك اشخاصی بعد يك ادوار مترازل و هرج و مرجی در این مملکت پیش آمده است و يك اشخاصی املاک مردم و دولت را بزور در اطراف مملکت برده اند درست است خوشبختانه که خیلی از آنها پس گرفته شد ولی يك جاهائی هم هست که (بنده نمیخواهم تصریح کنم و تصریح کردنش هم خوب نیست) هنوز مانده است و امیدوارم آنها هم تصفیه شود. باید در قانون این مسائل را تصریح کرد که تکلیف مردم و دولت معلوم شود و آن اشخاص هم بدانند که اگر مال دولت هنوز از دست آنها گرفته نشده است مشمول این مواد نخواهند بود یعنی این مروریکه در این ماده قائل شده است که اول ۱۲۹۰ بود و حالا سیصد شده است شامل آنها نیست بنا بر این خیلی لازم است این ماده باشد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده اصولاً با این ماده موافقم و بهترین مواد این قانون همین ماده است و گمان میکنم اگر يك ماده خوبی هم در این قانون هست همین ماده است

یک نفر از نمایندگان - آقا شما که موافقت

کازرونی - حوصله کنید، چرا بی جهت حمله میکنید چیز غریبی است!! مخالفت بنده از اینجهت است که عبارت آنطوریکه منظور است اینجا نوشته شده است

خالصجاتیکه در نتیجه نمرد یا طغیان بتصرف اشخاص در آمده است آنمقصودنرا که کمیسیون محترم داشته است نمیرساند. مقصودشان این است که اگر يك اشخاصی يك املاکی را بزور و قوه قهریه بواسطه تعدی و احجاف متصرف شده اند آنها از این قانون مستثنی هستند نمرد و طغیان بر کی؟ بر مردم؟ طغیان علی الاصول بر دولت است. اینها نمرد و طغیان بر مردم و دولت کرده اند و در هر حال باید عبارت اصلاح شود مخالفت بنده راجع باصلاح عبارت است و الا با اصولش کاملاً موافقم و تشکر می کنم که در مقابل تمام مواد که نفع دولت نیست و بضرر یکده از مردم هم هست اینجا نفع دولت است

فهمی (مخبر) - آقای کازرونی فرمودند عبارت کمیسیون این مفهوم را نمیرساند اگر نمیرساند از کجا به این خوبی تفسیر کردند. فرمودند نمرد و طغیان بر علیه کی؟ اینجا هم مقصود نمرد و طغیان بر ضد دولت است زیرا خاصه ملك اشخاص نیست ملك دولت بوده است و يك وقتی يك قدری یا يك یاغی از ضعف دولت استفاده کرده است و آن املاک را تصرف نموده است بعد دولت مقتدر شده است و آن املاک را پس گرفته است یا پس خواهد گرفت البته آن اشخاص نمیتوانند متوسل شوند بنصرف بدست ساله یا سی ساله و امثال اینها و بگویند اینجا ملك ما است ما نمیتوانیم آنها را مشمول این قانون قرار بدهیم حتی خودتان اطلاع دارید که بعضی از اینها حتی در مقابل فرمان دولت که ملغی کرده است تصرفشان را باز ملك را ول نکرده و در تصرف دارند. البته اگر امروز دولت این املاک را متصرف شده یا میشود آنها نمیتوانند متوسل شوند باین قانون و آن املاک را برای خودشان نگه دارند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

عمادی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

عمادی - برای اینکه این ماده بعضی معایب ادبی و

مرسومي لوايحي که تا امروز به مجلس آمده است دارد و باید آنها را به عرض مجلس رساند اگر آقایان اجازه میدهند بنده عرایض خودم را عرض کنم پیشنهادی هم تقدیم کرده ام اگر اجازه نمیفرمایند در ضمن پیشنهاد عرایضم را به عرض خواهم رسانید.

رئیس -- حالا میفرمائید رأی بگیریم؟

عمادی -- خیر باشد در ضمن پیشنهاد عرض میکنم

رئیس -- پیشنهاد آقای افشار

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده اصلاح ماده هفت را بطریق ذیل پیشنهاد می کنم.

ماده هفت -- خالصجائیکه در اثر ترمرد یا طغیان یا اتهام به عصبانیت تصرف دولت در آمده است مطابق مدلول اصل بانزده و شانزده و هفده متمم قانون امنی معامله و رفتار خواهد شد.

رئیس -- آقای افشار

افشار -- بنظر بنده اگر خالصجائاتی در اثر ترمرد یا طغیان اشخاصی نسبت به دولت به تصرف اشخاص در آمده است هیچ مانعی نیست که دولت در هر روز و هر وقت ملک خودش را از دست اشخاص طاعی و باغی مسترد کند ولی در عین حال آقایان تصدیق میفرمایند که يك املاکی هم در اثر يك نسبت هائی از دست اشخاص بتصرف دولت در آمده است و بنده تصور میکنم که نظر کمیسیون این بوده است که رعایت حال يك عده اشخاصی را که صرف بوسیله تهمت و اتهام با بعضی اغراض شخصی نادر واقعی هم بوسیله طغیانهای تصرف دولت در آمده است برای آنها چاره جوئی بشود و در اینجا برای آن اشخاص هیچ چاره جوئی نشده است. عقیده بنده این است که يك اموالی که تصرف دولت در آمده است باید برای آن اموال يك فکری کرد و فکر آنرا هم قانون اساسی کرده است باید با این قبیل اموال مطابق

اصول بانزده و شانزده هفده متمم قانون اساسی رفتار کرد و بنده خودم مطلع هستم در آذربایجان وقتیکه املاک رحیم خان چلیبالمو را دولت بتصرف در آورده است يك اشخاصی که با ایشان شريك الملك بوده اند در ضمن تصرف املاک رحیم خان چلیبالمو سهمی آن اشخاص را هم که در آن ملک ذی سهم بوده اند دولت تصرف نموده است و حالا آن اشخاص باید بیایند به طهران و مدتها داد و فریادشان هم بجائی نخواهد رسید بناء علیه بنده این پیشنهاد را کردم و از آقایان محترم هم استدعا میکنم با این پیشنهاد موافقت بفرمایند

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- البته آقای نماینده محترم متوجه هستند که این قانون فروش خالصجات انتقالی یعنی سهمی دولت است از مالیات و بهیچوجه قانونی نیست که راجع به دعوی بین مردم بر دولت یا برعکس باشد این مسائلی را که فرمودند یا راجع به قبل از مشروطیت است یا بعد از مشروطیت نسبت به قبل از مشروطیت اگر مشمول قانون مرور زمان نباشد میتواند تعقیب کند نسبت به بعد از مشروطیت هم البته دولت هائی وقت مکلف بوده اند در حدود قانون اساسی و قوانین مملکتی با اشخاص رفتار نمایند و البته اگر تجاوزاتی شده باشد مردم آزادند که در حدود قوانین دعاویشان را اقامه نمایند و بنظر بنده این مربوط و مؤثر در این قانون نیست

رئیس -- رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای افشار، آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای احتشامزاده (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود، بعضی از نمایندگان -- ماده الحاقیه حالا مورد ندارد

رئیس -- پیشنهاد آقای دهستانی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده هفت حذف شود

رئیس -- پیشنهاد آقای مدرس

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ابتداء حذف شود

رئیس -- آقای دهستانی

دهستانی -- باتوضیحی که آقای مخبر دادند بنده متقاعد شدم مسترد میدارم

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- بنده گمان می کنم این ماده هفت مبني بر آن موادی است که سابق در کمیسیون ترتیب داده اند که در ماده اول موضوع خالصجات انتقالی را توسعه داده بودند در آن صورت محتاج باین ماده هفت بودیم ولی در نانی که آرا تغییر دادند و تعیین کردند موضوع خالصجات انتقالی را که خالصجات انتقالی خالصجائاتی است که یکی از اجزاء اربعه نقل شده باشد همینطور که نقل شد دیگر این استثناء منقطع است. چون تشخیص داده اند خالصجات انتقالی را مگر آنکه آقای مخبر يك توضیحات علیحده بدهند والا با بودن این تشخیص دیگر این استثناء مورد ندارد

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- عرض شود بنده همین فرمایشی را که آقای مدرس فرمودند میخواستم عرض کنم که بنده نمیدانم به چه حاجتی این ماده در این جا مانده است. همانطور که آقای مدرس فرمودند در آن لایحه که قبلا تشکیل یافته بود محتاج باین ماده بود بعلاوه موضوع بحث در لوايحي که از طرف دولت تقدیم میشود عبارت است از اینکه با موادش شرح میدهد اصل مقصود را یا اینکه قسمتی از موادش مستثنی است و این موضوع هیچیک از این دوتا نیست زیرا موضوع بحث خالصجات

انتقالی است خالصه شخصی محل بحث نیست بعقیده بنده عبارت ابتداء مجمل است و چرا اینرا نوشته اند بنده نمیدانم و عقیده ام این است باید حذف شود

مخبر -- آقای مدرس التفات بفرمایند شرحی را که در تعریف خالصه انتقالی در ماده اول نوشته بودیم تغییر نکرده است ماده اول همان ماده اول است نهایت در اول مبدأ را ۱۲۹۰ گرفته بودیم حالا ۱۳۰۰ نوشته شده است خالصجات انتقالی ملکی است که در تصرف دولت بوده است و بعد بتصرف اشخاص در آمده است یعنی امروز در تصرف اشخاص است یا اخیراً در تصرف اشخاص بوده. و مدرک و میزان تصرف تابع يك مقرراتی است یکی این است که فرمان انتقال در دست متصرف باشد. یکی اینکه سی سال با تعرض یا بلا تعرض در تصرف او باشد یکی اینکه بیست سال بلا تعرض در تصرف اشخاص بوده. حالا اگر در يك سرحدی بیست سال بکنفر يك خالصه انتقالی را تصرف کرده باشد و دولت هم نتوانسته باشد از او بگیرد بموجب این قانون اگر دولت نخواهد از او بگیرد نمیتواند زیرا بیست سال است در تصرف او است و حتی دولت فرمان صادر کرده است که این ملک مال شما نیست ولی باز هم در تصرف او بوده است در هر حال این ماده لازم است اینجا نوشته شود.

رئیس -- پیشنهاد آقای مدرس پیشنهاد حذف است

میباشد برای موقع رای گرفتن بماده پیشنهاد آقای رفیع (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده هفتم اضافه شود تصویب هیئت دولت

رئیس -- آقای رفیع

حاج آقا رضا (رفیع) -- در ماده هفت نوشته شده است خالصجائیکه در نتیجه ترمرد یا طغیان بتصرف دولت در آمده باشد موضوع این تشخیص اگر با مالیه باشد اغلب املاک را تشخیص میدهد که بعنوان ترمرد

بتصرف اشخاص در آمده پس بعقیده بنده بایدهم شخص را يك هيئت قرار داد بنظر بنده هيئت دولت خوب است اگر آقایان هيئت دیگری را میفرمایند بهتر است پیشنهاد کنند در هر حال باید يك هيئتی تشخیص بدهند که فلان ملک در اثر متهم یا طغیان دست فلان متمرده مانده و دولت نتوانسته است از او بگیرد و بعقیده بنده دولت برای اینکار بهتر است و مردم آسوده تر هستند

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرض کنم نظر آقای رفیع چون اساساً مبنی بر اینست که تمهیلی برای اشخاص بشود قابل تقدیر است ولی بنظر بنده موضوع نمرده و طغیان يك چیزی نیست که هيئت دولت صلاحیت داشته باشد تشخیص بدهد اگر دولت نسبت بیک ملکی مدعی است که آن ملک را بتمرد یا طغیان تصرف کرده اند بنظر بنده باز هم نمیتواند تصرف چندین ساله را با دادره خودش اینطور تفسیر کند مگر اینکه مطابق این اصول بحکمیت رجوع شود اینست که ضرورت دارد

حاج آقا رضا رفیع - اضافه شود نمرده و حکمیت

رئیس - بالاخره بچه رای بگیریم

رفیع - به تشخیص حکمیت خالصان که در نتیجه نمرده یا طغیان بتشخیص حکمیت بتصرف اشخاص در آمده است

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای افسر و

آقای علوی

(باز طریق خوانده شد)

پیشنهاد میمائیم عبارت اینطور نوشته شود خالصه جاتی که در تصرف دولت بوده در نتیجه نمرده یا طغیان الی آخر

رئیس - آقای افسر

محمد هاشم میرزا افسر - عرض کنم اگر چه یکی از مواد سابق که خوانده شد همینطور که آقای مخبر توضیح دادند نوشته بود ولی چون ما این قانون را می نویسیم که همه بدانند و محتاج به تفسیر نباشد و تولید اشکال نشود که بطهران بوزارت مالیه بنویسند و وزارت مالیه بر دارد به مجلس بنویسد و تفسیرش را بخواهد يك طوری نوشته شود که محتاج به اینها نباشد اینجا اشکالی ندارد که اضافه شود خالصاتی که در تصرف دولت بوده است که همینقدر معلوم شود در تصرف دولت بوده و بعد بواسطه نمرده یا طغیان گرفته شده است و الا بدعوی خالصگی که پنجاه سال قبل دولت دعوا داشته است و همینطور که بعضی از آقایان گفتند و همه می دانند بخواهند مسئله رقبات را منشاء قرار دهند این اسباب زحمت برای مردم و دولت فراهم خواهد کرد این هم فراموش نشود که خیلی از خالصجات در نتیجه نمرده و طغیان گرفته شده است ولی به يك اشخاص فروخته شده و بدست دوم و سوم هم رسیده است و الان در بعضی نقاط هست که اینطور است که يك املاکی در نتیجه نمرده طغیان به دست يك اشخاص بی آمده ولی تا كمون سه چهار دست فروخته شده است و باید فکری برای مردم نمود این بود که بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود املاکی که در تصرف بوده است

مخبر - این اصلاح عبارت که آقای پیشنهاد کردند این طور باید نوشته شود املاکی که در تصرف دولت بوده است زیرا وقتی میگویند خالصه خاصه یعنی ملک متصرفی دولت و خالصاتی که در تصرف بوده است این طور میسراند که خالصجات هم هست که در تصرف دولت نیست پس بهتر این است که نوشته شود املاکی که در تصرف دولت بوده و در نتیجه نمرده و طغیان بتصرف اشخاص در آمده است و الا اگر نوشته شود خالصجاتی

در تصرف دولت بوده مقصود آقا را نامین نمیکند و همان املاک نوشته شود بنده قبول میکنم

افسر - به پیشنهاد خود بنده رای گرفته شود

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای افسر

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای بدر

(به این مضمون خوانده شد)

ماده هفت را به اینطور پیشنهاد میمائیم خالصجاتی که بدون فرمان انتقالی بتصرف اشخاص در آمده است و دولت به لحاظی تا کنون در صدد استرداد آنها بر نیامده است مشمول مواد این قانون نخواهد بود

رئیس - آقای بدر

بدر - عرض کنم که این ماده هفت را در این جابه دو طور ممکن است نوشت یکی اینکه همین عبارت که اینجا نوشته شده است بماند و این تولید اشکال میکند برای اینکه ممکن است هر ملکی را بگویند در نتیجه نمرده و طغیان بتصرف اشخاص در آمده است کی معلوم خواهد کرد که بطور نمرده و طغیان بوده است؟ ملک شخصی يك نفر را که اسنادی هم داشته است و ساها هم در تصرفش بوده منازعه هم نداشته است این تولید يك دعوائی می کند ممکن است مالیه بگوید این املاک در نتیجه نمرده و طغیان به تصرف اشخاص در آمده است او بگوید اینطور نیست و این اول دعوا است از طرف دیگر چون اینجا نوشته شده است خالصجاتی که سی سال یا بیست سال در تصرف اشخاص بوده است آنها دیگر مورد تعرض واقع نخواهد شد و ممکن هم هست يك املاکی دولت داشته باشد که يك اشخاصی بطور نمرده و طغیان در تصرف خودشان آورده باشند این عبارت که بنده نوشتم شامل او هم خواهد بود یعنی آن اشخاصی که در نتیجه نمرده و طغیان بدست آورده اند فرمان نخواهند داشت پس هر ملکی که بدون فرمان در تصرف يك شخصی باشد وقتی که

دولت خواست استرداد کند می گوید فرمان داری یا نه اگر فرمان نداشت که اینطور است و اگر فرمان داشت که محل حرف نیست پس اینجا نوشتن نمرده و طغیان بدون اینکه يك حدی برای نمرده و طغیان معلوم شود جز اشکال چیز دیگری نخواهد بود نمرده و طغیان را کی باید معین کند و تشخیص بدهد که چه جور بوده است پس این تولید اشکال خواهد کرد تا معلوم شود که این نمرده و طغیان واقع شده است یا نه؟ زیرا دولت در هر جا میتواند بگوید این ملک بطور نمرده و طغیان بوده است که بدست اشخاص در آمده است و این تولید اشکال خواهد کرد در صورتیکه اینطور که بنده پیشنهاد کردم همین مطلب را می پروراند و اشکالی هم باقی نمی ماند

مخبر - عرض شود این نکته را آقایان باید مستحضر باشند که نمرده و طغیان نسبت بدولت يك چیزی نیست که مخفی باشد و محتاج برسیدگی و حکمیت و محاکمه باشد نمرده و طغیان نسبت بدولت يك مسئله باقی است دعوائی دو نفر در کوچه نیست يك چیز مهمی است آهم نمرده و طغیانی که تا مدتی هم دولت به لحاظی قادر نشده باشد رفع اجحافات را از خودش بکند این مسئله سهلی نیست پیشنهاد حضرت عالی هم که فرمان را نوي کار آوردند نتیجه اش این میشود که تمام املاک را منازل کند و نتیجه دیگری نخواهد داشت اگر يك شخص متمردی يك کاری کرده باشد و بعد دولت به لحاظی فرمانی هم به او داده باشد و آن شخص باز در حال نمرده باقی باشد و بعد هم دولت آن فرمان را باطل کرده باشد نمیتوان به آن فرامین متوسل شد

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای بدر

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای زوار پیشنهاد ختم

جلسه را کرده اند

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - جلسه آینه شب پنجشنبه

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

قانون

اجازه اجرای لوایح قانونی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون پارلمانی عدایه

مصوب لیله پانزدهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی

ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده بااستثنای

لابحه قانون حکمیت بعد از تصویب کمیسیون فعلی عدلیه مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارد و پس از آزمایش آنها در عمل بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه لیله پانزدهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی

بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

www.iran-archive.com